



ترجمه دکتر احمد احمدی

۲

از پرفسور ارتور اربری

نخستین قسمت این ترجمه را در شماره قبل خواندید و اکنون دنباله آن:

شاگردان مکتب نقادی در سطح بالا که باعجاب تمام ناظر کار اساتید خویش بوده و دیده‌اند که آنها چگونه نسبت به احترام سنتی عهدین، نقش ویرانگری ایفاء کرده اند، با شور و شعف فراوان، تکلیف همانند آنرا، در مورد قرآن هم به عهده گرفته و خواسته اند که از قدر آن بکاهند. اینها کار خود را از همان دسته‌بندی ناقص سوره‌ها آغاز کرده اند و این یک شیوه تحلیلی ناقص کوه بینانه‌ایست که از قدیم الایام همچنان رایج بوده است براین مینا، نزول بعضی از سوره‌ها را درمکه پیش از ۶۲۲ - م و نزول بعضی را در مدینه بعد از این تاریخ، دانسته و با ولع تمام در جستجوی نشانه‌های ضعیفی برآمده اند که از لابلای غبار و مه زمان نمودار می‌شوند و می‌رسانند که بعضی از آیاتی که در سالهای آخر زندگی محمد (ص) نازل شده در میان آیاتی گنجانیده شده اند که قبل از نازل شده بودند. این پژوهشگران ساده‌نگر خواسته‌اند هر سوره، هر بخش غالباً هر آیه یا

حتی نصف آیه از یک سوره را به زویداد خاصی از عصر پیامبر مربوط سازند. اما پژوهشگران فاضل ما، بعد از آنکه پیکر وحی "الله" را قطعه قطعه کردند بر سر دست خویش کالبدی یافتند که روح آن از برابر ذهن اشغال شده آنها گریخته بود و بدین ترتیب آنها آماده شده بودند تا برای شرح و تبیین چیزی که از تبیین آن ناتوان بودند، به همان وسیله کهنه دست یازند ولی بالهای ظریف وحی بلند پرواز، در لای انگستانی که کورمال کورمال، در جستجو بودند خرد شده و بصورت بودر درآمد بود.

یکی از بارزترین نمونه‌های این مکتب، که روزگاری بر تحقیقات قرآنی در غرب، مستبدانه حکومت می‌راند، همانا دکتر "ریچارد بیل" بود که آخرین سالهای پختگی و نضج علمی خویش را وقف کاری بس نمایان و فوق العاده کرد تا هریک از آیات قرآن را در زمینه تاریخیش قرار دهد (قرآن دوجلدی "بل")

این مرحله‌ای است که قهرمانان "شیوه‌نقادی قرآن در سطح بالا" سرانجام بدان رسیدند و در برابر همین افراد تجزیه و تشریحی یا کالبد شکافی است که من از وحدت سوره و وحدت قرآن دفاع می‌کنم. من بجای اینکه اعضای از هم گسسته‌ای که روی میز تشریح پخش و پلا شده به خواننده حیرت زده تقدیم کنم، از او خواهش می‌کنم این بدن را پیش از آنکه تشریح شده باشد بار دیگر خوب از نظر بگذراند و نیک تصور کند که وقتی خون حیات از سیاهرگهای آن بیرون رفته باشد چه وضعی خواهد داشت من براین عقیده‌ام که کتابی ابدی همچون قرآن را اگر بخواهند تنها با شیوه نقادی بر منای زمان نزول آیات بررسی کنند، هرگز درست فهمیده نخواهد شد این انتظاری کاملاً نابجا است که بخواهند موضوعات مورد بحث یک سوره را به منظور تهیه یک نظم عقلانی با دقت ریاضی مرتب سازند منطق وحی منطق اصحاب مدرسه نیست، در پیغام نبوت وقتی پیغامی راستین و حقیقی باشد "قبل" و "بعد" وجود ندارد حقیقت جاودانی در محدوده زمان و مکان نمی‌گنجد، بلکه هر لحظه‌ای خود را کامل و تام و تمام جلوه‌گر می‌سازد. همین دریافت بود که هنری ووگان آنها در آن نوشته معروف خویش این چنین توصیف می‌کند

شب دیگر از لیت را دیدم،

همچون هاله‌ای بزرگ از نوری صاف و بی‌کران

کاملاً آرام و تابناک

سال هیجدهم - شماره ۷

و مدور در زیر آن، زمان در قالب ساعات، روزها، سالها توسط افلاک‌رانده می‌شد همچون شبی گسترده در حرکت بود و عالم با آنچه بدان وابسته است در آن پرتاب شده بود.

توماس تراهرن همین حقیقت عالی عرفانی را با بیانی بسیار زیبا و لطیف توصیف کرده است

نه هیچگونه ماده و تفاله‌ای در روح خویش احساس کردم و نه هیچ‌کرانه و مرزی، آنچنانکه در یک جام می‌بینم، ذات و ماهیتم یکسره آمادگی بود، که همه چیز را احساس می‌کرد.

فکر با آن خود جوشه عظیمش،

دیگر نه بالی داشت که بگستراند و نه چشمی که ببیند و نه دستی که برای لمس باز کند،

و نه زانوئی که بر زمین زند،

بلکه همچون الوهیت بسیط و مجرد بود

در مرکزش کره ای است،

که محیط آن نه اینجا، بلکه همه جا است

از مرکز خویش همچون اشیاء دور

برروی اشیاء دیگر تاثیر نمی‌گذارد،

بلکه چون بنگرد حاضر است،

موجود است با " موجودی " که آگاه است

به هرچه می‌کند...

با این همه خوب مطمئن بودم

که با حد اکثر دوام

(و چه دوامی پراچ)

روح من می‌توانست به بهترین صورت قدرت خویش را آشکار سازد

چه تند و خالص بود

که تمام نفس من یکجا، در همه‌جا بود

به هرچه می‌نگریست خود همه یکجا آنجا بود

خورشید با ده هزار لژیون^۱ فاصله نزدیک بود

دورترین اختر

گرچه دوری می‌نمود

اما در مردمک چشم حاضر بود.



همین ادراک کثرت در وحدت و همین گریز آنی روح ابدی از زندگی در زندان زمان، به فضای بیکران حیات جاوید بود، که عارف مصری، ابن‌فارس را واداشت تا در حماسه بزرگ خویش در باب صعود به سوی خدا قصیده بلندپایه‌ای را بسراید که معروف است..



این درک عرفانی که انبوهی از گواهان آنرا تایید می‌کند بی‌هیچ‌تردید کلیدی است برای حل ناهماهنگی اسرار آمیزی که در بلاغت قرآن بچشم می‌خورد تمام حقایق همزمان یکدم، در روح سرشار از وجد محمد حاضر بود، اما هر حقیقتی خرد خرد در بیان الهام او جلوه‌گر شده است خواننده کتاب مقدس مسلمانان باید بکوشد تا به همان مرحله از ادراک جامع و محیط‌نائل گردد. در این صورت نوسانهای ناگهانی موضوع و حال، دیگر آن مشکلاتی را پیش نمی‌آورد که نقادان بلند پرواز را سرگردان ساخته ناگزیر شوند اقبانوس بلاغت نبوت را با انگشتانه تجزیه و تحلیل خنک و بیروح پیمانه کنند اینجاست که هر سوره خود یک واحد جلوه خواهد کرد و همه قرآن وحی واحدی در عالیترین درجه هماهنگی شناخته خواهد شد اگرچه برای دریافت این پیغام و ابلاغ آن، نیمی از حیات یک‌انسان لازم بود، اما خود پیغام سرمدی است هر قدر هم بیان آن در قالب زمان، نا همسنخ نماید، بهر حال پیغام واحدی است در سرمدت این راه یعنی راه عرفان ضراط مستقیمی است برای پژوهش در قرآن، راهی که - نه به سرگشتگی و انزجار که از امتیازات و لوازم "نقادی در سطح بالا" است بلکه - به فهمی عمق افزای و اعجاب و سروری پایان ناپذیر می‌انجامد.



-
- ۱- گروهی مرکب از سه تا شش هزار نفر سرباز در ارتش باستان
 - ۲- گویدار اینجا منظور واحد مسافت است.